

خدمات تمدنی امیر فتح‌الله شیرازی در دربار اکبر شاه گورکانی

احمدرضا بهنیا^۱

چکیده

ایرانیان مسلمان با پی‌ریزی تمدن ایرانی-اسلامی و انتقال آن به شبه‌قاره هند نقش مؤثری در پیشرفت‌های تمدنی ایفا کردند. نخبگان ایرانی که با توجه به عوامل دافعه موجود در ایران و عوامل جاذبه‌آفرین در هندوستان به دربار گورکانیان مهاجرت کردند؛ به دلیل شایستگی‌های فراوان خود توانستند منشأ خدمات مؤثری در حوزه‌های مختلف تمدنی شوند. یکی از این نخبگان، امیر فتح‌الله شیرازی است که با درایت و شایستگی خود، در مظاهر تمدنی دولت اکبرشاه مانند صنعت، تقویم، نظام دیوانی و علوم نقلی و عقلی تحولات مهمی ایجاد کرد. هدف پژوهش که با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی تدوین شده، تبیین آثار حضور امیر فتح‌الله در دربار اکبر شاه گورکانی در حوزه تمدنی است. نشر آموزه‌های تشیع توسط امیر فتح‌الله در دربار اکبر شاه، تک‌بعدی نبودن تأثیرگذاری وی در حوزه تمدن، جایگاه والای او در دربار اکبر شاه و گسترش آثار فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی در مظاهر فرهنگ و تمدن دولت گورکانیان، از یافته‌های پژوهش است.

واژه‌های کلیدی: امیر فتح‌الله شیرازی، اکبر شاه گورکانی، تمدن ایرانی-اسلامی، شبه‌قاره هند، خدمات تمدنی.

۱- مقدمه

ملت ایران با پذیرش دین اسلام و با توجه به پیشینه تاریخی و تمدنی، سهم بسزایی در پویایی تمدن اسلامی ایفا کرد. ملتی که توانست ضمن تلفیق مصادیق فرهنگی و تمدنی خود با اسلام و

۱- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دامغان

فرهنگ آن، فرهنگ و تمدنی بی‌بدیل به نام فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی پایه‌ریزی کند و آن را به سرزمین‌های دور و نزدیکی چون شبه‌قاره هند انتقال دهد. مراحل مشارکت ایرانیان در انتقال فرهنگ و تمدن ایرانی - اسلامی به هند به قرون نخستین اسلامی محدود نشد. به استناد منابع این فرایند طی قرن‌ها حتی در خلال حملات مغول و بعد از آن در دوره ایلخانان، تیموریان و صفویه نیز ادامه داشت. از بین راه‌های انتقال مفاهیم و مظاهر فرهنگی و تمدنی، مؤثرترین و کارآمدترین آن‌ها که توانست پیکره حاکمیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هند را تحت تأثیر قرار دهد و به توسعه و تکامل تمدنی این سرزمین کمک کند، مهاجرت نخبگان ایرانی از طیف‌های گوناگون اجتماعی به هند است که در ادوار مختلف و بنابه دلایل متعدد در سرزمین مبدأ (ایران) و مقصد (هند) صورت گرفت. بسیاری از این مهاجران به دلیل صلاحیت و شایستگی توانستند خدمات مؤثری در ابعاد مختلف تمدنی در دولت کورکانیان انجام دهند. یکی از نخبگان مهاجر ایرانی به دربار اکبر شاه گورکانی، امیر فتح‌الله شیرازی است. وی یکی از نخبگان ایرانی بود که در علوم عقلی و نقلی، صنعت، تقویم، نظام دیوانی و قضایی نقش بسزایی ایفا کرد و به همین دلیل در دربار پادشاه گورکانی به عضدالدوله ملقب شد.

۱-۱- بیان مسأله و سؤالات تحقیق

مهاجرت، شکلی از تحرک مکانی جمعیت بین دو واحد جغرافیایی است که علل مختلف زمانی، مکانی و انگیزشی در ایجاد آن نقش‌آفرینی داشته و از عوامل اصلی تغییر و تحول در کشورهای مبدأ و مقصد محسوب می‌شود. مهاجرت نخبگان ایرانی به هند با توجه به شرایط سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مساعد در این سرزمین و مخاطرات موجود در عهد صفوی به‌ویژه به لحاظ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، یکی از مسائل مهم و اساسی در این مقطع تاریخی جامعه ایرانی است. هرچند که این مسأله در کشور مبدأ (ایران) با توجه به مهاجرت نخبگان سیاسی و علمی آثار منفی داشته‌است؛ ولی در جامعه مقصد (هند) با توجه به پذیرش مهاجرانی که از دانشمندان و متفکران بزرگ و برجسته بودند، منجر به تحولات مثبت و پیشرفت‌های فرهنگی و تمدنی شده‌است. یکی از این مهاجران، فتح‌الله شیرازی است که به شبه‌قاره هند مهاجرت کرده و در دربار اکبر شاه گورکانی منشأ اثر و خدمات مهمی در زمینه‌های مختلف تمدنی شد؛ به طوری که لقب امیر و شاه را از طرف گورکانیان دریافت کرد. سؤال اصلی مقاله آن است که امیر فتح‌الله

شیرازی چه خدماتی در دربار اکبر شاه گورکانی انجام داده‌است و در پیشرفت‌های تمدنی دولت اکبر چه نقشی ایفا کرد؟

۲-۱- اهداف و ضرورت تحقیق

هدف اصلی مقاله نشان‌دادن جایگاه و نقش امیر فتح‌الله شیرازی در تحولات تمدنی دربار اکبر شاه گورکانی است. با توجه به اثرگذاری چندبُعدی وی در دربار اکبر شاه ضرورت دارد که نقش تمدنی امیر فتح‌الله به‌عنوان یک ایرانی مهاجر و تأثیرگذار مورد واکاوی قرار گیرد.

۳-۱- روش تفصیلی تحقیق

مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر منابع کتابخانه‌ای انجام گرفته‌است. در این روش ابتدا ضمن معرفی امیر فتح‌الله شیرازی و چگونگی ورود او به دربار عادل شاه بیجاپوری و سپس عزیمت به دربار اکبر شاه به فراز و نشیب‌های زندگی امیر فتح‌الله تا زمان مرگش در سال ۱۰۱۰هـ.ق پرداخته شده و پس از آن خدمات تمدنی او که بخش اصلی مقاله است، در ابعاد مختلف تمدنی نظیر ایجاد تقویم و تاریخ جدید در دربار اکبر، نقش‌آفرینی در امور علمی با آموزش فلسفه ایرانی، علوم نقلی و صنعت و نیز انجام اقدامات مؤثر در سیستم مالی و مالیاتی و نیز دیوان قضا مورد بحث، بررسی و تحلیل قرار گرفته‌است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

بررسی‌های صورت‌گرفته بیانگر آن است که پژوهش جامع و روشمندی درخصوص نقش امیر فتح‌الله شیرازی در دربار اکبر شاه گورکانی صورت نگرفته‌است؛ با این وجود، در لابلای برخی کتب که به مهاجرت ایرانیان به هند پرداخته‌اند، اشاراتی مختصر به شرح حال و اقدامات امیر فتح‌الله شده‌است که در ادامه به چند مورد در این زمینه اشاره می‌شود.

ابوالفضل علامی که در سال ۹۸۷ هـ.ق با معرفی برادرش فیضی به خدمت اکبر درآمد و از مقربان او شد، در دو کتاب «اکبرنامه» و «آیین اکبری» به‌طور مفصل دوران اکبر شاه را بررسی کرده‌است. اکبرنامه مهم‌ترین تألیف علامی است که در آن به نقش مسائل اجتماعی و سیاسی ایران که زمینه را برای مهاجرت نخبگان ایرانی از جمله امیر فتح‌الله شیرازی فراهم کرده، اشاره می‌کند تا اینان با خیالی آسوده و فارغ از آزارها و تضییق‌های اجتماعی با بهره‌گیری از فضل و بخشش اکبر شاه، وزراء و سرداران او به خلق آثار فرهنگی و تمدنی پردازند. نکته مهم در تاریخ‌نویسی علامی آن است که اصل و اعتبار هر یک از اقدامات مهم و موفقیت‌آمیز را به امپراطور نسبت داده

که مطابق با اصول عقاید سیاسی اوست. از بیانات و تمجیدهای وی از امیر فتح‌الله در اکبرنامه و آیین اکبری می‌توان نتیجه گرفت که خدمات تمدنی امیر در دستگاه اکبر شاه منجر به ایجاد انقلاب فکری در جامعه هند شده‌است. «منتخب‌التواریخ» عبدالقادر بدایونی در تاریخ عمومی هندوستان، منبع و مرجعی معتبر در شرح احوال بزرگان ایرانی در دربار گورکانیان است؛ به‌ویژه در جلد دوم آن ضمن بیان احوال چهل ساله سلطنت اکبر شاه، به معرفی و تبیین اقدامات امیر فتح‌الله شیرازی پرداخته‌است. در واقع این کتاب گنجینه‌ای از اطلاعات گران‌بها درباره‌ی شاعران، عارفان، پزشکان، دانشمندان، فقیهان و هنرمندانی است که از ایران به شبه‌قاره هند مهاجرت کرده‌اند. مهم‌ترین عیب بدایونی آن است که سنی معتصبی بوده و بسیاری از نوشته‌های خود را به اغراض مذهبی آلوده کرده‌است؛ از این رو نسبت به اقدامات و رفتارهای امیر فتح‌الله که مذهب شیعه داشت، موضع‌گیری کرده و در مخالفت با وی مطالبی را نگاشته‌است؛ در نتیجه می‌توان گفت، مطالب مطرح‌شده در «منتخب‌التواریخ» با «اکبرنامه» و «آیین‌اکبری» درباره‌ی خدمات تمدنی امیر فتح‌الله و آثار آن بر دولت اکبر شاه متفاوت هستند؛ زیرا با آنکه بدایونی شاگرد شیخ مبارک ناگوری پدر ابوالفضل علامی بود و با آن‌ها چهل سال مصاحبت داشت و او را از خطرات زیادی نجات داده‌بودند؛ اما از دشنام، تهمت و ناسزا در حق هیچ‌یک از آن‌ها دقیقه‌ای فروگذار نکرده‌است. «گلشن ابراهیمی» یا «تاریخ فرشته» از محمدقاسم هندوشاه استرآبادی معروف به فرشته است که در تاریخ عمومی هند دوره اسلامی تألیف شده و از منابع معتبر در رابطه با نخبگان مهاجر ایرانی است. مهم‌ترین مشخصه «تاریخ فرشته» آن است که مؤلف ضمن بیان شرح حال رجال و شخصیت‌های لشکری و کشوری همچون امیر فتح‌الله به اقدامات آن‌ها در خصوص تشکیلات اداری و دیوانی توجه ویژه‌ای کرده و با ذکر اشعارشان بر غنای مطالب نیز افزوده‌است. در بین تذکره‌های فارسی «سرو آزاد» اثر میرغلامعلی آزاد بلگرامی از آثاری محسوب می‌شود که در شرح احوال صدوچهل‌وسه نفر از صاحب‌طبعان فارسی در هند، از جمله امیر فتح‌الله شیرازی است. تراجم موجود در «سرو آزاد» نسبتاً مختصر، ولی مفید است. وی امیر فتح‌الله را در کنار سایر فلاسفه مهاجر، از بنیانگذاران درس نظامی می‌داند و به نقش بارز او در صدور افکار فلسفی ایران به هند اشاره ویژه‌ای دارد. از میان تحقیقات انجام‌شده به زبان اردو، کتاب «اطبای عهد مغلیه» تألیف سید علی کوثر چاندپوری که به شرح حال و اقدامات پزشکان ایرانی مهاجر به هند پرداخته، نقش امیر فتح‌الله و خدمات علمی وی را مورد توجه قرار داده‌است. مهم‌ترین شاخصه

این کتاب در مقایسه با سایر منابع و تحقیقات انجام شده، پرداختن به خدمات و اقدامات علمی امیر فتح‌الله شیرازی است. نگارنده مقاله در کتاب «ایران، معمار برجسته تمدن در شمال هند» نیز به نقش امیر فتح‌الله شیرازی به عنوان یکی از منصب‌داران مهاجر مسلمان و ایرانی در شکوفایی تمدنی دولت گورکانیان پرداخته و تأثیرگذاری وی را در حوزه‌های مختلف تمدنی بررسی کرده است.

۲- امیر فتح‌الله شیرازی در دربار اکبر شاه گورکانی

امیر فتح‌الله از سادات شیراز و معاصر شاه طهماسب صفوی بود (واثق عباسی و شمس‌الدین، ۱۳۹۶: ۲۵۲) و در حکمت نظری و عملی و نیز علوم طبیعی، ریاضی و دیگر علوم نقلی و عقلی، علامه زمان خود به حساب می‌آمد. او شاگرد کمال‌الدین شیروانی و میر غیاث‌الدین منصور شیرازی بود (چاندپوری، ۱۳۹۰: ۱۹۴) و نویسنده مآثر الامراء نام خواجه جمال‌الدین محمود را در میان استادان وی نوشته است (خوافی، ۱۳۸۸: ۱/۱۰۰)؛ اما امیر فتح‌الله بر استادان خود از نظر عقلی و علمی برتری داشت؛ به طوری که بیان شده «اگر کتاب‌های قدیمی علوم نقلی به طور کامل از بین برود، امیر فتح‌الله می‌تواند آن‌ها را از نو بنویسد» (علامی، ۱۳۹۴: ۳/۳۹۴). همین ویژگی‌ها باعث شد که وقتی عادل‌شاه بیجاپوری شهرت علم و فضل امیر را شنید، با اصرار و خواهش بسیار وی را از شیراز به دکن فراخواند و او را وزیر خود ساخت (خوافی، ۱۳۸۸: ۱/۱۰۱).

عادل‌شاه با فرستادن خلعت و صدها روپیه انعام، وی را از شیراز فراخوانده و با احترام بسیار نزد خود نگاه داشت؛ به طوری که امیر فتح‌الله در خلوت و جلوت در مصاحبت عادل‌شاه می‌زیست (هندوشاه استرآبادی، ۱۲۴۸: ۷۹/۳)؛ اما این امر دیری نپایید؛ چون در عهد عادل‌شاه به تدریج لهو و لعب جامعه را فراگرفت و امیر فتح‌الله با این امور میانه‌ای نداشت. او به اندازه‌ای پایبند مذهب بود که حتی با ورود به دربار اکبر نیز از اصول خود منحرف نشد. آوازه امیر فتح‌الله در دربار علی عادل‌شاه، اکبر را شیفته مصاحبت با وی کرد؛ اما عادل‌شاه از ابراز این لطف در حق اکبر و فرستادن شاه فتح‌الله به دربار مغول خودداری کرد. در اوایل سلطنت ابراهیم عادل‌شاه دوم (۱۰۲۷-۹۹۸) سلطه دلاور خان حبشی زندگی را برای شیعیان برجسته بیجاپور غیرممکن ساخت و امیر فتح‌الله شیرازی به زندان افتاد. این اخبار برای اکبر فرصتی فراهم آورد تا در مسأله دخالت نکرده و به آرزوی خویش مبنی بر مزین ساختن دربار خویش به امیر فتح‌الله دست یابد. او به ابراهیم دستور داد تا امیر را به دربار گورکانی بفرستد و به جاگیردارها مأموریت داد که محترمانه امیر فتح‌الله را

در مسیر دکن به فتح‌پور همراهی کنند. امیر در سال ۱۰۰۱ هجری وارد فتح‌پور شد (رضوی، ۱۳۷۶: ۱/ ۳۶۰-۳۵۹). فرزند بیرام‌خان، خان‌خانان و حکیم ابوالفتح به استقبال او رفتند و پادشاه نیز امیر فتح‌الله را مورد لطف خود قرار داد و او را به مقام صدارت رساند. امیر با دختر کوچک مظفرخان تربیتی ازدواج کرد و از این طریق باجناب پادشاه شد (بدایونی، ۱۳۸۰: ۲۴۳).

دربار اکبر برای افراد مذهبی، آزمایشگاه بی‌نظیری بود؛ چون به‌طور عملی و علنی به مذهب توهین می‌شد، احکام مذهبی شکسته می‌شد؛ ولی کسی جرأت اعتراض نداشت. حتی پادشاه خود به استهزاء احکام دینی می‌پرداخت و تأیید علما را درخواست می‌کرد، ولی امیر فتح‌الله با این فشارها از راه خود منحرف نشد و زیرسؤال بردن معراج رسول خدا^(ص) توسط اکبر را تأیید نکرد (چاندپوری، ۱۳۹۰: ۱۹۷-۱۹۸؛ عبدالرحمان، ۱۹۷۳: ۱/ ۴۰۵-۴۰۷)؛ از طرف دیگر، با اقدامات او فلسفه، منطق، کلام و معقولات در برنامه‌های درسی حوزه‌های علمیه قرار گرفت؛ زیرا وی در فلسفه مشاء و اشراق، ریاضیات، نجوم و هندسه کم‌نظیر بود.

امیر فتح‌الله تشیع خود را به‌صورت آشکارا اعلام داشت؛ به‌طوری که بدایونی می‌نویسد: «در دوره‌ای که در دیوان ویژه شاه کسی جرأت نمازخواندن نداشت، حکیم فتح‌الله شیرازی با صدای بلند به شیوه شیعیان نماز می‌خواند» (بدایونی، ۱۳۸۰: ۳۱۵/۲)؛ در نتیجه با ورود فتح‌الله شیرازی، شیعیان در شمال هند نقش و حضوری برجسته یافتند و تشیع خود را به‌صورت آشکار اعلام کردند (Rizvi, 1909: 1/362).

در سال ۹۹۸ هـ ق خطاب امین‌الملک به امیر فتح‌الله اعطا شد و به «راجه تو درمل» دستور داده شد که در همه امور مالی و کشوری با مشورت و صلاح‌دید وی عمل کند. از این زمان امیر به منصب سه‌هزاری دست یافت (عبدالرحمان، ۱۹۷۳: ۱/ ۴۰۸-۴۰۹).

بسیاری از امور از دوره وزارت مظفرخان همچنان ناتمام مانده بود و همه آن‌ها به امیر فتح‌الله سپرده شد و وی با آزادی و شفافیت تمام به تکمیل این امور پرداخت. در همین سال خطاب عضدالدوله و صدارت همه هندوستان به وی سپرده شد و همراه خان اعظم برای جنگ دکن اعزام شد. در این جنگ، خان اعظم مقابل راجه علی‌خان شکست خورد و تدبیر امیر فتح‌الله نیز چاره‌ساز نبود. وی به‌ناچار نزد خان‌خانان به احمدآباد گجرات رفت. دلیل شکست در این جنگ اختلاف میان خان اعظم و شهاب‌الدین احمدخان بود که مورد استفاده راجه علی‌خان قرار گرفت.

فتح‌الله برای هدایت راجه بسیار تلاش کرد؛ ولی در این شرایط سعی و تلاش او هیچ سودی نداشت.

در سال ۱۰۱۰ ه‍.ق امیر فتح‌الله شیرازی در دیدار اکبر شاه از کشمیر همراه وی بود؛ ولی در راه بازگشت به شدت بیمار شد و به دلیل ضعف جسمانی قادر به همراهی با اکبر نشد. هرچند که حکیم علی شاگرد و برادرزاده امیر فتح‌الله به معالجه وی پرداخت؛ ولی پادشاه به حکیم علی چندان اعتماد نداشت و به همین دلیل حکیم حسن را برای معالجه امیر فتح‌الله فرستاد و حکیم مصری را نیز به آنجا اعزام کرد تا وی نیز در معالجه با حکیم حسن مشورت کند. حکیم مصری هنوز به کشمیر نرسیده بود که فتح‌الله رحلت کرد (چاندپوری، ۱۳۹۰: ۱۹۹).

برخی از مورخان مانند ابوالفضل علّامی حکیم علی را متهم به قتل امیر فتح‌الله کرده و می‌نویسد: «به سرنوشت آسمانی، حکیم علی را در علاج لغزشی رفت. جهان سالار حکیم حسن را به چاره‌گری فرستادند» (علّامی، ۱۸۷۷: ۵۸۷/۳).

امیر فتح‌الله را در خانقاه میر سید علی همدانی در کشمیر دفن کردند و سپس به دستور اکبر از آنجا به مکان خوش منظری در بالای کوه‌های سلیمان انتقال دادند. اکبر در ارتحال امیر سخت متأثر و غمناک شد؛ چون که انسان عالم و خدومی را از دست داده بود، کسی که از ارکان مهم سلطنت او به حساب می‌آمد (بیات، ۱۳۸۲: ۱۴۲). اکبر گفت: «امیر فتح‌الله سفیر ما، فیلسوف ما، طبیب ما و منجم ما بود. اگر او به دست فرنگیان می‌افتاد و آن‌ها در مقابل وی تمام خزائن ما را مطالبه می‌کردند، ما آن را تجارت پُر سودی می‌پنداشتیم» (علّامی، ۱۸۷۷: ۵۸۹/۳-۵۹۰).

ابوالفضل علّامی اعتراف می‌کند که «در مصاحبت با فتح‌الله شیرازی مطالب زیادی را از او یاد گرفته و انقلاب فکری در وی ایجاد کرده‌است» (علّامی، ۱۸۹۳: ۳۵/۱).

۳- خدمات تمدنی امیر فتح‌الله شیرازی

امیر فتح‌الله شیرازی در ابعاد مختلف تمدنی از جمله علوم عقلی و نقلی، تقویم، صنعت و دیوان‌سالاری نقش بسزایی در دربار اکبر شاه گورکانی ایفا کرد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود.

۱-۳- تقویم

مهم‌ترین اقدامی که در زمینه تقویم در هند صورت گرفت، در دوران اکبر شاه گورکانی بود. نیت اصلی او در ایجاد یک نهضت عظیم فرهنگی و علمی تقارب فکری بین رعایای هندو و مسلمان بود و در این راه حتی از ایجاد کیش میانه‌ای بین مسلمانان و هندوان به نام آیین الهی باز نایستاد و

برای آن تقویم و تاریخی جدید با صواب‌دید و راهنمایی عضدالدوله امیر فتح‌الله شیرازی ترتیب داد تا اختلاف تاریخ هندو-مسلمان که از قضا هر دو قمری و مبتنی بر حساب‌های نجومی متفاوت بود، از بین برود. علّامی در این رابطه می‌نویسد: «و مدار حساب بر ماه و سال شمسی حقیقی نهادند و این تاریخ را همان اسامی شهر مشهوره فارسی معتبر داشتند، به لقب فروردین‌ماه الهی و اردیبهشت‌ماه الهی. نام‌های ایام نیز همان سی نام متعارف فارسی گذاشتند؛ بدین ترتیب: اورمزد، بهمن، اردیبهشت، شهریور، اسفندارمذ، خرداد، مرداد، دیبازر، آذر، آبان، خور، ماه، تیر، دیبهر، مهر، سروش، رشن، فروردین، بهرام، رام، باد، دیبادین، دین، ارد، اشتاد، آسمان، زامیاد، مار اسفند و انیران. و چون در بعضی ماه‌ها دو روز از سی زیاد بود، آن را به روز و شب منسوب نامزد می‌کرد... دور سنوات این تاریخ مقدس نیز دوازده می‌باشد. لاجرم هر سال مسمی به اسم ماهی از ماه‌های الهی ساختند. چنانکه سال اول سال فروردین الهی و سال دوم سال اردیبهشت الهی... . عمده مؤسسان این تاریخ قدسی علامه‌الزمانی افلاطون‌الوانی امیر فتح‌الله شیرازی المخاطب به عضدالدوله بود» (علامی، ۱۸۷۷: ۷/۲-۱۰؛ همان، ۱۸۹۳: ۱/۱۹۳)؛ بنابراین اکبر با هدف ایجاد ملتی یگانه و با توجه به تکرر دینی در جامعه هند، آیین جدیدی به نام دین الهی را ابداع کرد و برای آنکه اجزای پیکره این اندیشه را تکمیل کند، دست به تغییر تاریخ زد. برای رسیدن به این هدف تنها کسی که توانایی کمک به وی را داشت، امیر فتح‌الله شیرازی بود. او نیز چنین کرد و دستور استفاده از آن را به همه استان‌ها صادر کرد. در تاریخ الهی سال جلوس اکبر آغاز تقویم محسوب می‌شد و بنای آن زیچ جدید گورکانی (الغیبگ) بود. سال و ماه شمسی حقیقی شد و کیسه از میان رفت و نام و روز فارسی به حال خود باقی‌ماند (خوافی، ۱۸۸۸: ۱/۱۰۴؛ رازی، ۱۳۷۸: ۱/۲۳۴-۲۳۵؛ بدایونی، ۱۳۸۰: ۱۴۵/۳)؛ در نتیجه، تقویم اکبر در آیین جدید برگرفته از فرهنگ فارسی بود و همکار و مجری او یک مهاجر ایرانی به نام امیر فتح‌الله شیرازی محسوب می‌شد.

۲-۳- فلسفه

در دربار گورکانیان به‌ویژه اکبر و با تلاش اندیشمندانی چون ابوالفضل علّامی، جنبش فکری و عقلی در حد وسیعی گسترش یافت؛ به نحوی که اندیشه‌های ابن‌سینا، شیخ شهاب‌الدین سهروردی و ابن‌عربی با تفکر عرفانی و عقلی هندویی در یکدیگر ممزوج شده بودند.

اگرچه مهاجرت برخی فلاسفه و دانشمندان با استعداد از ایران تا حد زیادی به تقویت هدف ابوالفضل علّامی کمک می‌کرد، اما با ورود امیر فتح‌الله شیرازی به دربار اکبر در سال ۹۹۰ هجری (۱۵۸۲م) بُعد جدیدی به جنبش فکری او افزوده شد.

ملا عبدالقادر بدایونی که یکی از منتقدان سرسخت اطرافیان محبوب اکبر بود، دربارهٔ امیر می‌گوید: «از سادات شیراز و اعلم‌العلمای زمان است. مدت‌ها مقتدای حکام و اکابر فارس بود. جمیع علوم عقلی از حکمت و هیأت، هندسه، نجوم، رمل، حساب طلسمات، و نیز نجات و جرّ ائقال نیکو می‌دانست و در این فن آنقدر حالت داشت که اگر پادشاه متوجه می‌شدند، رصد می‌توانست بست و در علوم عربیت، حدیث، تفسیر و کلام نیز نسبت او مساوی است و تصانیف خوب دارد؛ اما نه در برابر مولانا میرزا جان شیرازی که در ماوراءالنهر مدرس متفرد متورع یگانه روزگار بود» (بدایونی، ۱۳۸۰: ۲۱۶/۳).

امیر فتح‌الله آنقدر برای اکبر اهمیت داشت که شاه گورکانی پس از مرگ وی در سرینگر کشمیر با این عبارت نسبت به وی تجلیل به عمل آورد: «اگر او به دست اهل فرنگ افتاده بود و آن‌ها در قبال بازگرداندنش تمام خزانه مرا طلب می‌کردند، با کمال مسرت چنین معاملهٔ پرمنفعتی را انجام می‌دادم و این گوهر ارزشمند را به بهای ارزان می‌خریدم» (علّامی، ۱۸۷۷: ۲۴۸/۳).

تمام منابع عصر امیر فتح‌الله شیرازی و منابع پس از آن نشان می‌دهند که او مرید واقعی مکتب ابن سینا بود و علاوه بر آن، هم در حکمت اشراق شیخ شهاب‌الدین سهروردی و هم عرفان ابن عربی تبحر داشت. اظهار نظر ملا عبدالقادر بدایونی که می‌گوید: «شاگردی رشید هم از دامن او برنخاست» مقرون به صحت نیست. اگرچه هیچ‌یک از شاگردان فتح‌الله شیرازی چه در معقول و چه در تحقیقات علمی هم طراز او نبودند، باین حال سنت آمیختن کلام با اندیشه‌های ابن سینا تا عصر حاضر پابرجاست و این ارتباط و اتصال به دست عبدالسلام لاهوری (وفات ۱۰۳۷ هـ ق) شاگرد فتح‌الله شیرازی انجام گرفته و در درس نظامی به کمال خود رسیده است. درس نظامی دورهٔ چهارم از نظام درسی هند است که توسط مولانا حکیم عبدالحی لکهنوی نام‌گذاری شد. خصوصیات عمدهٔ درس نظامی این بود که به بینش و توان مطالعهٔ شخصی افراد اهمیت می‌داد و طلاب در هیچ رشته‌ای تخصص به دست نمی‌آوردند و این برعهدهٔ تلاش مستقل هر فرد گذاشته شده بود و هرکس می‌توانست در هر رشته‌ای همچون صرف و نحو، فقه حنفی، اصول، منطق،

بلاغت، حساب، هندسه، حکمت و کلام، تفسیر قرآن و حدیث و... مطالعات خود را افزایش دهد و تخصص پیدا کند (حسینی اسفیدواجانی، ۱۳۹۱: ۷۹)

از لحاظ فکری نیاکان درس نظامی به شرح زیر است:

امیر فتح‌الله شیرازی، عبدالسلام دیوه‌ای، ملا دانیال چوراسی، ملا قطب‌الدین سهالوی و ملا نظام‌الدین که بنیان‌گذار درس نظامی محسوب می‌شد (آزاد بلگرامی، ۱۹۷۱: ۱۹۹-۱۹۸).

درواقع می‌توان گفت که امیر فتح‌الله شیرازی افکار فلسفی ایران را به هند منتقل کرد و وسعت اندیشه را ترویج داد. از این زمان به بعد ترویج و مطالعه کتب و اندیشه‌های فلسفی و علوم معقولی در حوزه‌ها و مدارس هند متداول شد. او افکار ملاصدرای شیرازی را به هندیان شناساند و با ورودش به دربار گورکانیان بود که تدریس افکار ملاصدرا رایج شد.

۳-۳- علوم نقلی

در علوم نقلی از جمله تفسیر قرآن، تفسیری را به امیر فتح‌الله شیرازی نسبت می‌دهند. برخی «تفسیر منهج‌الصادقین» ملا فتح‌الله کاشانی را از تألیفات فتح‌الله شیرازی می‌دانند. درحالی که او این کتاب را به نام «خلاصه‌المنهج» تلخیص کرده است. وی رساله‌ای در حالات و عجایب کشمیر نوشته که به دستور اکبر، علّامی آن را در «اکبرنامه» آورده است. همچنین کتابی در حالات اکبر به نام «اقبال‌نامه اکبری» تدوین کرده که اکنون اثری از آن به دست نیامده است. او حتی در خنثی کردن جادو و نیز جاذبه زمین نیز مهارت داشت (علی احمد، بی تا: ۱۶۰).

کتاب دیگر امیر، «چار باغی» نام داشت که شامل نامه‌های امیر فتح‌الله و نشر دیگر تحریرات اوست. بیشتر این نامه‌ها به حکیم همام، ابوالفضل علّامی و خان خانان نوشته شده است. امیر عقاید خود را درباره حکمت نیز در آن تحریر آورده است. (چاندپوری، ۱۳۹۰: ۲۱).

۳-۴- صنعت

بررسی‌های صورت گرفته گویای این مطلب است که هیچ‌یک از مهاجران ایرانی در دربار گورکانیان به اندازه امیر فتح‌الله شیرازی، جامع تمام علوم و فنون نبوده است. او در عین حال مهندس بزرگ زمان خود نیز محسوب می‌شد؛ از جمله اقدامات وی در این زمینه عبارت‌اند از:

۱. ساخت آسیاب میله‌ای که به نیروی باد می‌چرخید و گندم را آرد می‌کرد.

۲. آینه‌ای درست کرد که اشیاء دور و نزدیک را به گونه‌ای عجیب و غریب نشان می‌داد.

۳. توپ قلعه‌شکن اختراع کرد.

۴. ساختن چرخ‌ی که دوازده توپ را حمل می‌کرد.

۵. اسلحه‌ای اختراع کرد که در یک شلیک دوازده گلوله پرتاب می‌کرد (خوافی، ۱۸۸۸: ۱/۱۰۴؛ هروی، ۱۹۱۱: ۲/۳۶۷، ۱۲۶، ۳۹۴).

۵-۳- تنظیم و ترتیب سیستم مالی و مالیاتی (دیوان اعلی)

از عمده‌ترین اقدامات مهاجران ایرانی در هند، سر و سامان‌دادن به نظام مالی و مالیاتی در این سرزمین بود. تشکیلات مالیه در امپراطوری گورکانی در دیوان اعلی -که مهم‌ترین دیوان محسوب می‌شد- جای می‌گرفت. وظایف این دیوان عبارت بود از:

- تعیین میزان جاگیرداران (مقطعات).

- پرداخت حقوق، هزینه‌ها و مخارج دربار و افراد حکومتی.

- نظارت بر درآمدهای سلطان و املاک او (خالصجات).

- نظارت بر شعبه‌های دیوان در مناطق گوناگون امپراطوری.

در رأس این دیوان، وکیل یا وزیر قرار داشت. سه نفر از مهاجران ایرانی که به این مقام دست یافتند و منشأ خدمات ارزنده‌ای شدند؛ عبارت‌اند از: آصف‌خان، ابوالفتح گیلانی و امیر فتح‌الله شیرازی که در این بین اقدامات امیر فتح‌الله تحول مهمی در امپراطوری گورکانیان در هند ایجاد کرد.

او یکی از منصب‌داران مؤثر در سیاست و حکومت عصر گورکانیان بود که در سی‌امین سال سلطنت اکبر به امین‌الملک ملقب شد (علّامی، ۱۸۹۳: ۱/۳۵)؛ به طوری که اکبر فرمان داد که «راجه تو در مال» باید مسائل اداری و مالی امپراطوری را با مشورت شاه فتح‌الله حل و فصل کند. هرچند که بدایونی می‌نویسد: «اکبر شاه فتح‌الله را با راجه تودرمال مشترکاً وزیر قرار داد» (بدایونی، ۱۳۸۰: ۲/۳۱۶)، ولی این نظر صحیح نیست.

امیر فتح‌الله دستور یافت که اصلاحات خواجه مظفر تربتی را بازنگری کند و درباره درآمدهای دولت یک طرح جامع ارائه کند؛ به عبارت دیگر، شاه فتح‌الله وزیر و راجه معاون وی شد (رضوی، ۱۳۷۶: ۱/۳۶۲-۳۶۳) او به دقت یادداشت‌های قبلی و اصلاحات مظفر تربتی را مورد بررسی قرار داد و کاستی‌ها و ناهماهنگی‌هایی را در سیستم عایداتی امپراطوری یافت. شاه فتح‌الله یک نقشه کامل شامل بیست پیشنهاد ارائه کرد. این پیشنهادها نه تنها جمع‌آوری و محاسبه عایدات ارضی را تسهیل کرد، بلکه برزگران را از زورگویی و سوءاستفاده مقامات غارتگر مورد محافظت قرار داد.

حتی رنج سربازان در جایگزین‌ساختن اسبان مرده مورد غفلت قرار نگرفت. طرح اصلی شاه فتح‌الله مورد تأیید اکبر واقع شد و زحمات او دیوان اعلی را به خانه امید مردم تبدیل کرد (علمای، ۱۸۷۷: ۴۵۷/۳-۴۵۹).

امیر فتح‌الله شیرازی نقایصی را در قوانین حاکم بر مسکوکات نقره‌ای و مسی پیدا کرد و طرح جالبی را در جهت نرخ جاری ارائه کرد (علمای، ۱۸۹۳: ۳۵/۱).

در سال ۱۰۰۳ ه‍.ق امیر فتح‌الله به‌همراه حکیم ابوالفتح گیلانی، عبدالرحیم خان خانان و ابوالفضل علمای مأموریت یافتند تحقیقاتی در دستگاه اداری شهبازخان کامبوه حاکم بنگال به عمل آورند. این تحقیقات شباهت اکبر درباره شهبازخان را برطرف ساخت (رضوی، ۱۳۷۶: ۳۶۳/۱-۳۶۴).

در سال ۱۰۰۴ ه‍.ق مجدداً امیر فتح‌الله به‌عنوان یکی از اعضای هیئت اعزامی برگزیده شد. مأموریت آن هیئت این بود که درباره اتهاماتی که علیه «شیکدر» مستوفی و مسئول مالیات منطقه سیالکوت در ایالت پنجاب به‌عمل آمده‌بود، تحقیق کند (علمای، ۱۸۷۷: ۵۲۹/۳).

در همین سال اکبر تمامی بساور در راجستان را همراه با اراضی کمک معاش به امیر فتح‌الله شیرازی واگذار کرد. امیر هزار روپیه را که مشق‌دارها، یعنی مستوفیان و تحصیل‌داران او به ظلم و ستم از زنان بیوه و فقیر و یتیمان در بساور گرفته‌بودند، به اکبر تقدیم و عنوان کرد که مأموران مالیاتی او این مبلغ را از زمین‌های آیما (اراضی کمک معاش) صرفه‌جویی کرده‌اند. امپراطوری نیز هدیه‌ای از آن به امیر فتح‌الله داد (بدایونی، ۱۳۸۰: ۳۶۷/۲-۳۶۸).

۶-۳- تحول در دیوان قضا

دیوان قضا تحت ریاست صدرالصدور بود که مسئولیت امور قضایی را برعهده داشت. این دیوان سه وظیفه عمده انجام می‌داد:

- رسیدگی به جرایم سیاسی امیران، لشکریان و افراد بلندپایه که برعهده دیوان صدر بود.
- رسیدگی به شورش و رفتار صاحب‌منصبان حکومتی علیه مردم.
- رسیدگی به جرایم و شکایات مردم از حکومت‌گران.

بنابراین حوزه‌های گوناگون قضا شامل امور سیاسی و مظالم می‌شد (Encyclopedia of

در فاصله زمانی حمله مغول تا پایان صفویه قضاة و فقهاء بسیاری از ایران به هند مهاجرت کردند که می‌توان از قاضی قطب‌الدین کاشانی، قاضی جلال‌الدین کاشانی، قاضی رفیع‌الدین کازرونی، قاضی محی‌الدین کاشانی، مولانا وجیه‌الدین رازی، قاضی شمس‌الدین کاشانی و مولانا افتخارالدین رازی نام برد (برنی، ۱۸۶۲: ۱۱۱ و ۳۵۳-۳۵۴).

از مشهورترین فقهاء و قضاة ایرانی مهاجر به هند می‌توان به قاضی نورالله شوشتری، سید شیرازی و امیر فتح‌الله شیرازی اشاره کرد (G.L.Tikku, 1971: 14-15).

اکبر با مرگ سلطان خواجه صدرالصدور، امیر فتح‌الله را به این مقام منصوب کرد. در خلال تصدی امیر قوانین مربوط به توارث، دارندگان زمین‌های «کمک معاش» سخت‌تر شد و صدرالصدور نمی‌توانست بدون اجازه سلطان بیش از حد معینی از اراضی را واگذار کند. کسانی که به آنان زمین واگذار شده بود، شروع به احداث باغ‌های میوه کردند (علّامی، ۱۸۹۳: ۱/۱۴۱). هدف از این طرح تسهیل شیوه اداره زمین‌های واگذار شده بود؛ اما به تدریج وسیله‌ای برای تشکیل طبقه جدید از کشاورزان مسلمان شد که می‌توانستند در مقابل فراز و نشیب‌ها و تغییرات ناگهانی حکومت‌ها مقاومت کنند. همچنین این طرح بهره‌کشی از مسلمانان را در نظام روستایی متوقف ساخت. وی همچنین در مقام ریاست بر دیوان قضا قوانین جلوگیری از فسادهای مالی روحانیون، قضاات و زمین‌های غارت‌شده را به تصویب رساند و آن‌ها را با جدیت اجرا کرد (همان: ۱/۱۳۵).

۴- بررسی و تحلیل

با توجه به اینکه هدف اصلی مقاله، تبیین خدمات امیر فتح‌الله شیرازی در دربار اکبر شاه گورکانی است، نکاتی در تحلیل موضوع مطرح می‌شود:

مهاجرت نخبگان ایرانی به شبه‌قاره هند که از دوران قبل از اسلام شروع شد، پس از ورود اعراب مسلمان به ایران تداوم یافت و با حملات مغول و تیمور و نیز سیاست‌های نادرست برخی از پادشاهان صفوی تشدید شد. در مهاجرت این افراد شرایط نامناسب سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ایران و وجود جاذبه‌های فراوان در شبه‌قاره از جمله امنیت و آسایش، رونق تجارت، جاذبه‌های طبیعی و هنری، تسامح و تساهل پادشاهان و کارگزاران هندی و علم‌دوستی آنان نقش بسزایی ایفا کرد. مهاجرت این نخبگان در کوتاه‌مدت و بلندمدت آثار نامطلوبی در

جامعه‌مبدأ (ایران) بر جای گذاشت. بسیاری از این مهاجران پزشک، معمار، ریاضی‌دان، منجم، هنرمند، شاعر، ادیب، قاضی، سیاست‌مدار و... بودند که فقدان آن‌ها در هر جامعه‌ای از جمله ایران منجر به ایجاد خلأ بزرگی شده و صدمات جبران‌ناپذیری را به بدنه فرهنگی و تمدنی آن وارد خواهد کرد؛ به‌عنوان نمونه می‌توان اشاره کرد که علی عادل‌شاه برای شاه فتح‌الله مبلغ هنگفتی هدیه تعیین کرد و هزینه مسافرت او را از شیراز به بیجاپور تأمین کرد. اکبر شاه نیز هنگام عزیمت امیر فتح‌الله نه تنها دستور داد که جاگیردارها محترمانه امیر را همراهی کنند، بلکه بزرگانی مانند فرزند بیرام‌خان، خان خانان عبدالرحیم و حکیم ابوالفتح را برای استقبال از امیر اعزام کرد.

از طرف دیگر، این جمله اکبر شاه که گفت: «امیر فتح‌الله سفیر ما، فیلسوف ما، طیب ما و منجم ما بود. اگر او به دست فرنگیان می‌افتاد و آن‌ها در مقابل وی تمام خزائن ما را مطالبه می‌کردند، ما آن را تجارت پر سودی می‌پنداشتیم»؛ بیانگر آن است که تنها یک نخبه ایرانی آثاری بس شگرف در دربار پادشاه گورکانی داشته که حاضر است تمام خزائن خود را برای بازپس‌گیری او بدهد. همچنین گویای این مطلب است که جامعه ایران با ازدست‌دادن این افراد نخبه‌ضرر و زیان فراوانی را متحمل شده‌است.

یکی از آثار اقدامات و خدمات امیر فتح‌الله شیرازی ایجاد وحدت ملی در هند بود؛ به‌طوری که ایجاد تقویم و گاه‌شماری جدید که به دستور اکبر شاه و هدایت امیر فتح‌الله انجام شد، برگرفته از فرهنگ ایرانی و با هدف ایجاد ملتی یگانه با توجه به تکرر دینی در جامعه هند بود. امیر فتح‌الله اندیشمندی چندجانبه بود که توانست در علوم عقلی هندیان را با اندیشه‌های فلسفی ابن‌سینا آشنا کند و در علوم نقلی تلاش کرد با تدوین رساله‌های اخلاقی و کتاب‌هایی در تفسیر قرآن، دربار اکبر را که مملو از انحرافات دینی و مذهبی بود، هدایت کند. او امور مالی و قضایی دولت اکبر را منظم و مرتب کرد؛ به‌طوری که نتیجه اقدامات امیر فتح‌الله کاهش ظلم و ستم نسبت به طبقات پایین جامعه و جلوگیری از فساد مالی در دستگاه حکومت اکبر بود و به این ترتیب دیوان اعلی و دیوان قضایی تبدیل به خانه امید مردم شد.

۵- نتیجه

از مجموعه مباحث مذکور درخصوص خدمات تمدنی امیر فتح‌الله شیرازی نتایج زیر به‌دست می‌آید:

- ۱- مهاجرت نخبگان ایرانی همچون امیر فتح‌الله شیرازی به شبه‌قاره هند، عصر جدیدی در این سرزمین ایجاد کرد؛ به‌طوری که توسعه و پیشرفت فرهنگی و تمدنی دولت‌های هند ازجمله دولت گورکانی از نتایج مهم حضور ایرانیان محسوب می‌شد.
- ۲- تأثیرگذاری تمدنی امیر فتح‌الله بر دولت گورکانیان در عهد اکبر شاه تک‌بُعدی نبود؛ بلکه وی توانست در ابعاد مختلف علمی، فنی و دیوان‌سالاری مؤثر واقع شود و شاخصه‌های تمدن ایرانی-اسلامی را در جهات گوناگون به شبه‌قاره هند منتقل کند.
- ۳- نشر آموزه‌های تشیع در شمال هند ازجمله دربار گورکانیان سنی‌مذهب، از آثار حضور امیر فتح‌الله شیرازی بود.
- ۴- ارزش و جایگاه امیر فتح‌الله در دولت گورکانیان تا آنجا بود که اکبر شاه حاضر بود تمام خزائن خود را درمقابل بازپس‌گیری وی درصورت اسیرشدن به‌دست غربی‌ها بپردازد. این امر بیانگر جایگاه تمدنی وی در دولت گورکانی بود.
- ۵- با توجه به وجود عوامل دافعه در ایران، فقدان این نخبگان علمی می‌توانست در آن زمان و حتی آینده منجر به عقب‌ماندگی جامعه ایرانی شود.

۶- منابع

- ۱- آزاد بلگرامی، میر غلامعلی، سرو آزاد «مآثر الکرام»، لاهور، بی‌نا، ۱۹۷۱.
- ۲- بدایونی، عبدالقادر، منتخب‌التواریخ، تصحیح مولوی احمدعلی صاحب، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۰.
- ۳- برنی، ضیاءالدین، تاریخ فیروز شاهی، تصحیح مولوی احمد خان صاحب، کلکته، بی‌نا، ۱۸۶۲.
- ۴- بیات، بایزید، تذکره همایون و اکبر، تهران: نشر اساطیر، ۱۳۸۲.
- ۵- چاند پوری، سید کوثر علی، اطبای عهد مغلیه، ترجمه سیده جلیله شهیدی، تهران: مؤسسه مطالعات تاریخ پزشکی و طب اسلامی دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۳۹۰.
- ۶- حسینی اسفیدواجانی، مهدی، اندیشه ایرانی و فرهنگ هندی، تهران: نشر علم، ۱۳۹۱.

- ۷- خوافی، شاه نوازخان صمصام‌الدوله، مآثر الامرا، تصحیح مولوی عبدالرحیم، کلکته: بی‌نا، ۱۸۸۸.
- ۸- رضوی، سید اطهر عباس، **شیعه در هند**، ترجمه مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.
- ۹- عبدالرحمان، سید صباح‌الدین، **بزم تیموریه**، بی‌جا: مطبع معارف اعظم کده، ۱۹۷۳.
- ۱۰- علی، احمد، **تذکره علمای هند**، لکهنو: مطبعه نولکشور، بی‌تا.
- ۱۱- علامی، ابوالفضل بن مبارک، **آیین اکبری**، لکهنو: مطبع منشی نولکشور، ۱۸۹۳.
- ۱۲- _____، **اکبرنامه**، تصحیح مولوی عبدالرحیم و مولوی آغا احمد علی، کلکته: مطبع مظهر العجایب، ۱۸۷۷.
- ۱۳- واثق عباسی، رضا؛ شمس‌الدین، حمید، **پزشکان ایرانی در دربار گورکانیان هند**، فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، سال ۹، شماره ۲۳، صص ۲۶۳-۲۳۹، دانشگاه سیستان و بلوچستان: زمستان ۱۳۹۶.
- ۱۴- هروی، نظام‌الدین احمد، **طبقات اکبری**، تصحیح محمد هدایت حسین، کلکته: بی‌تا، ۱۹۱۱.
- ۱۵- هندوشاه استرآبادی، محمدقاسم، **تاریخ فرشته**، بمبئی: بی‌نا، نسخه‌خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، شماره A۹۳۶، ۱۲۴۸.

16- **Encyclopedia of Islam**, New Edition, by Athar Ali, S.V. Mughuls.

17- Rizvi, S.A.A, **Muslim revivalist movements in northern India in the sixteenth and seventeenth centuries**, Agra 1909.

18- Tikku, G.L, **Persian Poetry in Kashmir 1339- 1846**, California: University of California, 1971.